

پلیس؛ قدرت نرم و امنیت نرم

دکتر سیده مظهره حسینی^۱، سروش بهریر^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۱/۲۳

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۰/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۱۵

چکیده

زمینه و هدف: وظیفه اصلی پلیس، ایجاد امنیت به‌ویژه در بعد اجتماعی است و معمولاً بدین منظور، برخورداری از قدرت انتظامی یکی از مؤلفه‌های اساسی می‌باشد. مقاله حاضر مفاهیم امنیت نرم (افزاری) و قدرت نرم (افزاری) را مورد مطالعه قرار داده و سپس به چگونگی پیدایی آنها، پایگاه نظری این مفاهیم و نظریه‌پردازان عمده که در این باره بحث کرده‌اند، اشاره کرده است. در ادامه، رابطه میان نظریات قدرت و امنیت نرم، با جایگاه نیروی انتظامی (پلیس) در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق اسنادی است و از منابع الکترونیکی و مصاحبه‌های مسئولین سپاه و پلیس نیز جهت تبیین جایگاه این نیرو در داخل و خارج از ایران بهره برده شده است.

روش: روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است که با ابزارهای مطالع اسنادی و مراجعه به منابع الکترونیکی و مصاحبه‌های مسئولین سپاه و پلیس نیز جهت تبیین جایگاه این نیرو در داخل و خارج از ایران کوشیده ایم مسئله را تحلیل کنیم. در بخش توصیفی، با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و منابع الکترونیکی را در چارچوب نظریه پژوهش (قدرت نرم به عنوان پایه‌ای برای امنیت نرم) مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم. **یافته‌ها:** فرصت‌ها و چالش‌هایی که در عرصه قدرت و امنیت نرم در داخل و خارج از کشور، پیش روی نیروی انتظامی (پلیس) است شناسایی شده‌اند.

نتیجه‌گیری: دو ستون اساسی قدرت نرم، دانشگاه و رسانه‌ها هستند که با تأثیر بر مردم می‌توانند به عنوان زنجیره‌ای برای گسترش قابلیت‌های پلیس در عرصه امنیت نرم کمک کنند.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، امنیت نرم، عصر اطلاعات، مشروعیت سیاسی، قدرت سخت، جامعه‌شناسی نیروی انتظامی (پلیس)

□ استناد: حسینی، سیده مظهره؛ بهریر، سروش (تابستان، ۱۳۹۲). پلیس؛ قدرت نرم و امنیت نرم. *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، ۸(۲).

۲۳۵ - ۲۵۲

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی. ma_hoseyni@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

مقدمه

قوام و پایداری ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به میزان امنیت و احساس امنیت افراد بستگی دارد که خود تابع میزان اعتماد اجتماعی افراد به یکدیگر است. بررسی تاریخی عملکرد پلیس در کشورهای مختلف نشان داده است که سازمان‌های پلیس در حوزه برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی به عنوان مهم‌ترین وظیفه خود، رویکردهای گوناگونی را در پیش می‌گیرند. انواع این رویکردها را می‌توان راهبرد سازمان پلیس در انجام وظایف خود قلمداد کرد. رویکرد اقتدارگرا، رویکرد حل مسئله، رویکرد فرار از مسئله، رویکرد انکار و بی‌توجهی (لاپوشانی) و رویکرد مشارکتی و جامعه محور؛ هریک درون‌مایه راهبرد سازمانی پلیس در کشورهای گوناگون را تشکیل می‌دهند و بر اساس هریک از این رویکردها، نهادهای پلیس برنامه سازمانی و دورنمای کاری خود را تنظیم می‌کنند. در ایران هریک از رویکردها به دلایلی انتخاب و امتحان شده‌اند و بیشتر آنها به نتایج مطلوب نرسیده و پیش‌بینی‌های مقرر را محقق نکرده‌اند. گاه سیاست‌ها و دستورالعمل‌های پلیس برای برخورد با مسائل، مقتدرانه بوده و گاه با نادیده انگاشتن موضوع، آن را انکار کرده یا تلاش شده صورت مسئله پاک شود. هم‌اینک ترکیبی از این رویکردها در شیوه کار پلیس وجود دارد ولی رویکرد جدید مردمی و جامعه محور نیز در حال بروز و ظهور است که مبنای آن نه اقتداری و نه گریز از مسئله است بلکه با همراهی مردم به درون مشکل و به دل دشمن اجتماعی رفته و می‌کوشد آن را حل و فصل نماید. استدلال مقاله حاضر آن است که رویکرد مشارکتی و جامعه محور به دلیل آنکه از بطن جامعه برمی‌آید و نیازهای اجتماعی را مد نظر قرار می‌دهد، و از آن رو که در چارچوب تأمین امنیت نرم در جامعه به عنوان وظیفه اصلی پلیس در جامعه می‌باشد، رویکرد مناسب پلیس است که در ایران بایستی مورد توجه و سرمایه‌گذاری قرار گیرد. برای تبیین این اصول، ابتدا مفهوم امنیت نرم و قدرت نرم را بررسی کرده‌ایم و سپس جایگاه پلیس برای رسیدن به امنیت نرم با ابزارهای قدرت نرم با نگاه ویژه به پلیس ایران را تحلیل کرده‌ایم.

مبانی نظری

تمهید اندیشه‌ای: جوزف نای به عنوان یکی از نخستین نظریه پردازان روابط بین‌الملل، موضوع

«جنگ و قدرت نرم» را طرح کرد. مقاله‌هایی که وی در این زمینه نوشته، هم اکنون مورد استناد تمام کسانی است که درباره جنگ نرم تحلیل می‌کنند. وی می‌گفت اگر امریکا بخواهد همچنان قدرتمند باقی بماند ضروری است که به ابعاد و جزییات قدرت نرم توجه نماید (سلطانی فر، ۱۳۸۵).

قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران، به عبارت دیگر جنس قدرت نرم از نوع اقناع و ماده اصلی قدرت سخت از مقوله وادار کردن داوطلبانه و اجبار ناآگاهانه سوژه‌ها می‌باشد. در قدرت نرم، رهبری به صدور فرامین خلاصه نمی‌شود بلکه به جذب دیگران برای انجام آنچه شما می‌خواهید، معطوف شده است. قدرت نرم، رفتار همراه با جذابیتی است که قابل رؤیت اما غیر محسوس است. قدرت نرم از نظر نای و دیگران، بر خلاف قدرت سرد نه مبتنی بر زور است و نه مبتنی بر پول (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۴۰). در قدرت نرم، بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و از الزام و تعهد همکاری برای رسیدن به همه خواست‌ها بهره‌گیری می‌شود. قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های نهادهای یک کشور اطلاق می‌شود که با به کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، آرمان‌ها و ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر افراد و کشورها تأثیر می‌گذارند (هزارجریبی، ۱۳۸۸: ۱۸۲-۱۸۳).

از نظر نای، قدرت اقتصادی و قدرت نظامی هر دو از مظاهر «قدرت فرماندهی سخت» هستند. قدرت سخت می‌تواند با تهدید (چماق) یا (هویج) اعمال شود. اما راه غیر مستقیم و مؤثرتری نیز برای اعمال قدرت وجود دارد؛ دولت و کشوری می‌تواند در دنیای سیاست به دستاوردهای ارزشمندی برسد که دیگر کشورها، خواسته یا ناخواسته از آن پیروی کنند، ارزش‌هایش را بپذیرند، از نهادها و ساختار آن تقلید نمایند و آرزوی رسیدن به سطوح آزادی و رفاه آن کشور را داشته باشند. بر این مبنای، به باور نای اصول کلی سیاست بایستی به گونه‌ای طراحی شوند که دیگر دولت‌ها و جوامع را «جذب کنند» (پورحسن، ۱۳۸۶: ۸). سلاح اقتصاد، ساختار این برنامه کلی را تشکیل می‌دهد، سیاست سازمان دهنده به آن است و قدرت نظامی و انتظامی (پلیس) پشتوانه آن می‌باشد. قدرت نرم و سخت به یکدیگر مرتبطند ولی مشابه نیستند. ساموئل‌ها نینگتون، اعتقاد دارد که موفقیت مادی، فرهنگ و ایدئولوژی را جذاب می‌سازد و شک و تردید درونی و بحران هویتی را کاهش می‌دهد. وی در جایی دیگر می‌نویسد «قدرت نرم تنها زمانی قدرت به شمار

می‌آید که اساس قدرت سخت باشد» (نای، ۱۳۸۲: ۹).

سیاست نرم‌افزارانه، قدرت نرم، امنیت نرم و مفاهیم دیگر از این قبیل، از سوی نظریه پردازان واقعگرا و عموماً در حوزه روابط بین‌الملل مطرح شده‌اند، بنابراین در این نظریه پردازان هدف قدرت نرم، افکار عمومی خارج و سپس داخل کشور است. آنچه نای، به تأسی از هانتینگتون و دیگر نظریه‌پردازانی که فرهنگ را زیربنای روابط تمدنی می‌دانند، قدرت نرم می‌نامد از سوی یکی دیگر از تئوریسین‌های برجسته قدرت، با عنوان «نگرش رادیکال به قدرت» نام گرفته است. استیون لوکس قدرت را در سه وجه‌ها بزی، ماکیاولیستی و وجه سومی که آن را نگرش رادیکال می‌نامد، تقسیم بندی می‌کند (کلگ، ۱۳۸۴). وجه‌ها بزی، نگرشی یکسو نگرانه و یکجانبه به قدرت است. در این نگرش، موضوعات قدرت (افراد، سازمان‌ها و...) به دسته‌های دوتایی (اطاعت کننده و اطاعت شونده، حاکم و محکوم، محق و غیر محق و...) تقسیم می‌شوند. در نگرش ماکیاولیستی، بین این دسته بندی‌های دوتایی نوعی گفتمان ناپیدا و نا آشکار در جریان است که اطاعت شونده و حکومت شونده را درباره مبانی و لزوم اطاعت قانع می‌سازد.

در گفتمان سوم - نگرش رادیکال استفان لوکس به قدرت - قدرت دیدنی نیست؛ بنابراین نمی‌توان آن را به صورت ملموس مشاهده و حس کرد. قدرت واقعی قدرتی است که در پس پرده‌های پندارهای ظاهری وجود دارد و به همین دلیل قدرت واقعی مبتنی بر سخت افزار نیست. قدرت در فرایندی تعیین شده اعمال، اجرا و جابجا می‌شود. قدرت مبتنی بر اغوا است و در زمان و مکانی وجود دارد که کسی نسبت به ساختار قدرت تردید نکند و همین ماهیت نرم‌افزاری و انتزاعی، نشان دهنده قدرتی است که بر فرد اعمال شده است. در اینجا نگرش لوکس - و به تبعیت از او، استوارت کلگ - به قدرت، نگاهی فوکویی است. قدرت کیفر دهنده و اجبار آمیز همان لویاتان‌هاست، قدرت پاداش دهنده بر گنج و ثروت سیطره دارد و اقتناع‌سازی اغلب از طریق تصویب نامه، قانون، دستور العمل صورت می‌گیرد (نصری، ۱۳۸۳: ۶).

وجه سه گانه قدرت لوکس، به شکلی مختصر و مفید به وسیله‌اندی گریمز چنین بیان شده است: «آنچه نگرش رادیکال استفان لوکس^۱ نامیده می‌شود، درک وی از قدرت در سه بعد ذیل

است: رفتاری (ملموس)، ساختاری (نسبتاً پنهان) و ایدئولوژیک (پنهان). بُعد سوم، با محدوده‌های کمتر ملموس‌اش، بیشترین تأثیر و کنترل را بر سازمان‌ها دارد (نای، ۱۳۸۲: ۱۴). مثال بُعد سوم قدرت را در سیره عملی امام خمینی (ره) می‌توان مشاهده نمود. قدرت امام، بنیادین، نا دیدنی و نامشهود، مبتنی بر اطاعت تام و تمام و اراده معطوف به ارزش بود. آنچه باید مورد توجه جدی قرار گیرد آن است که منظور از قدرت نرم، تبلیغات سیاسی نیست بلکه مباحث عقلانی و ارزش‌های عموم را شامل می‌شود. قدرت نرم، مجموعه‌ای از رفتارهای ساختاری فرد-محور است. در صورتی که با قدرت نرم، کاهلانه و متساهلانه برخورد شود ممکن است حتی به تهدید نرم نیز تبدیل شود. در مجموع، قدرت نرم قدرتی فرهنگی-اجتماعی است که به همان اندازه که ناملموس و روان، جذاب و گریز ناپذیر، جدی و مبتنی بر منطق ارزش مداری است.

روش

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است که با ابزارهای مطالع اسنادی و مراجعه به منابع الکترونیکی و مصاحبه‌های مسئولین سپاه و پلیس نیز جهت تبیین جایگاه این نیرو در داخل و خارج از ایران کوشیده‌ایم مسئله را تحلیل کنیم. در بخش توصیفی، با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و منابع الکترونیکی را در چارچوب نظریه پژوهش (قدرت نرم به عنوان پایه‌ای برای امنیت نرم) مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم.

۱. منابع قدرت نرم

اعتبار، منبع اصلی قدرت نرم به شمار می‌رود. هر روز بیش از دیروز، شهرت از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود و رقابت سیاسی بر سر ایجاد یا از میان بردن اعتبار صورت می‌گیرد. جوامع به دنبال افراد معتبر هستند و در مقابل، اعتبار کسب شده نیز موجب تقویت جامعه می‌شود. منابع دیگر قدرت نرم عبارتند از:

۱. سابقه تاریخی؛ مثلاً اشتها به داشتن الگوی دینداری و اصولگرایی که مقبول پیروان ادیان است یا آزادی و دموکراسی که مقبول طبقات متوسط است.

۲. نظام آموزشی-پژوهشی قدرتمند در جامعه‌پذیری بهینه و ارائه الگوی مورد پسند یک جامعه به

سایر جوامع نقشی اساسی دارد. برای نمونه سالانه نزدیک به نیم میلیون دانشجو و دانش آموز از سراسر جهان برای تحصیل به امریکا می‌روند و به این ترتیب فرهنگ علمی و ارزش‌های اخلاقی امریکا یا شیوه زندگی امریکایی^۱ در همه جای زمین شناخته می‌شود و هوادارانی پیدا می‌کند(نای، ۱۳۸۲: ۹) و (هانتینگتون ۲۰۰۶).

۳. منابع ارزشی و اخلاقی؛ قدرت نرم بر توان شکل دادن به ترجیحات و ارزش‌های دیگران استوار است. توان شکل دادن به ترجیحات و ارزش‌ها با مقوله‌های نامحسوس و ناملموس مانند جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب که مشروع و اخلاقی تلقی می‌گردند، مرتبط است. اگر یک کشور ارزش‌هایی ارائه نماید که دیگران خواهان پیروی از آن باشند، برای رهبری نیاز به هزینه کمتری خواهد داشت(سلیمانی پورلک، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۴).

۴. صادرات فرهنگی، سومین منبع قدرت نرم است(نای، ۱۳۸۲: ۹).

۵. ارزش‌های سیاسی که در داخل و خارج از کشور مطابق با انتظارات و سلیقه‌های همگان طراحی شده است و سیاست‌های خارجی یک دولت، به شرطی که مشروع و اخلاقی تلقی شود(سلیمانی پورلک، ۱۳۸۶: ۸۶).

۶. دیپلماسی عمومی به عنوان یک سلاح نرم‌افزاری نقش مهمی در شکست رقبا و دشمنان امریکا پس از جنگ دوم جهانی داشته و اکنون به عنوان بخشی از راهبردهای چندگانه امریکا ظاهر شده و خاورمیانه را هدف قرار داده است. دیپلماسی در این مفهوم به معنای جنگ عقیدتی نیز به کار رفته است. مارگارت تات ویلر، از مسئولان پیشین دیپلماسی عمومی امریکا، می‌گوید: دیپلماسی عمومی را سلاح نرم‌افزاری می‌دانیم (پورحسن، ۱۳۸۶: ۹)

۷. نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان‌های اقتصادی و سیاسی؛ و ارائه خط مشی‌های متناسب با منافع خود در این سازمان‌ها.

۸. نفوذ در سازمان‌های نظامی - انتظامی قدرتمند(نای، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۰).

1. American Life Style

2. Huntington

منابع قدرت نرم با طیفی از رفتارهای متقاعد کننده همراه است در حالی که منبع قدرت سخت، مبتنی بر رفتارهای فرماندهی و اطاعت پذیری می باشد (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۶: ۸۶). تحقق اهداف این منابع به معنای گام گذاشتن در مسیر تحقق اهداف قدرت (به طور کلی) بدون بهره جستن از ابزارهای قدرت سخت می باشد (هزارجریبی، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

۲. پلیس و قدرت: نقش پلیس در دست یابی به امنیت نرم

همان گونه که اشاره شد مفهوم امنیت از دو مجموعه مفهومی امنیت نرم و امنیت سخت ساخته شده است. امنیت نرم حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیک (باورها) را در بر می گیرد و امنیت سخت به ابزارهای کارکردی و عینی در برقراری، حفظ یا به هم زدن امنیت موجود مربوط می شود. نهادها و ساختارهای نظامی و انتظامی (پلیس)، بیشترین مسئولیت را برای برقراری امنیت نرم افزاری از راه تداوم، بازتولید و آسیب شناسی در حوزه‌های امنیت دارند. بهره گیری از ابزارهای قدرت نرم، دست یافتن به امنیت نرم را تضمین می کند (محبوبی منش، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۵). بنابراین، نهادها و نیروهای که مسئولیت بازتولید و تداوم امنیت نرم را دارند و به عبارتی منابع امنیت نرم هستند بایستی با ترسیم شاخصه‌های امنیت نرم به عنوان چشم انداز آینده خود، زمینه‌های گسترش و بهبود سطوح امنیت نرم در حوزه‌های داخلی و خارجی را فراهم سازند. در ترسیم راه‌های دست یابی به امنیت نرم افزاری، آنچه پیش از هر چیز باید مورد توجه واقع شود آن است که واگذاری امنیت به سیستم‌های سخت افزاری و نهادهای نظامی نتیجه‌ای جز بی‌امنیتی در پی نخواهد داشت (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۰۹). به سخن دیگر، تقدم امنیت نرم افزاری بر سخت افزاری در نهاد پلیس قطعی است (محبوبی منش، ۱۳۸۵: ۲۵).

جدول ۱. ویژگی‌های امنیت سخت افزاری و امنیت نرم افزاری (نوبدینیا، تابستان ۱۳۸۸: ۳۳)

امنیت سخت افزاری	امنیت نرم افزاری
امنیت مبتنی بر منافع دولتی	امنیت با ارجحیت به منافع شهروندی
جمع سازی و جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی	جمع گرایی در کنار فردگرایی
امنیت مقدم بر تمام ارزش‌ها ی دیگر چون آزادی	امنیت در کنار ارزش‌های دیگر
تهدید محور	تدبیر محور
دفاعی - تهاجمی	پیشگیری - بازسازی
هژمونی قدرت	هژمونی دانایی

همان گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود امنیت نرم‌افزاری گرایش به اجتماع دارد و امنیت سخت‌افزاری گرایش به منابع قدرت و اقتدار.

در جدول (۲) می‌بینیم که میان دستیابی امنیت نرم و استفاده بهینه از اطلاعات و سوار شدن بر موج‌های اطلاعاتی رابطه مستقیمی وجود دارد. به همین دلیل ساختارها و نهادهای مجری تولید و انتقال سیاست‌های فرهنگی، کارکردهای فرهنگ ساز، اصول و معیارهای ارزشی و رسانه‌ها دارای اهمیت فراوانی می‌شوند. بیشترین قدرت از آن نهادی خواهد بود که قادر به شناسایی جهت‌گیری‌های اطلاعات در داخل کشور و در بعد بین‌الملل بوده و از این قدرت شناخت جهت‌گیری‌ها استفاده نماید. نهادها و کشورهایی که قادر به اثرگذاری بر این جهت‌گیری‌ها باشند موفقیت محسوس‌تری را تجربه خواهند کرد.



پلیس بدون مشارکت سه‌گانه مردم، سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های دولتی نمی‌تواند به تنهایی در مدیریت عمومی توفیقی حاصل کند (محبوبی‌منش، ۱۳۸۵: ۲۶). پلیس به عنوان محور اصلی مدیریت امنیت عمومی برای کنترل و کاهش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی که در عصر امروز امروزی خصلتی فزاینده دارد نیازمند مشارکت فعالانه مردم در عرصه فرهنگ عمومی و مشارکت پویای نهادهای اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) در عرصه نظام سیاسی، اداری و اجرایی می‌باشد. پلیس بدون این مشارکت‌های سه‌گانه نمی‌تواند به تنهایی در مدیریت امنیت عمومی موفق باشد، لذا در صورت نبود مشارکت عمومی، مدنی و سازمانی، پلیس در برخورد با آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی فزاینده ناگزیر از انتخاب یکی از دو شیوه ایجابی و نرم‌افزاری یا شیوه سلبی و سخت‌افزاری است. برگزیدن شیوه نخست پلیس را دچار بحران ناکارآمدی و انتخاب شیوه دوم، پلیس را دچار بحران مشروعیت می‌کند و در نتیجه در زمینه مدیریت امنیت

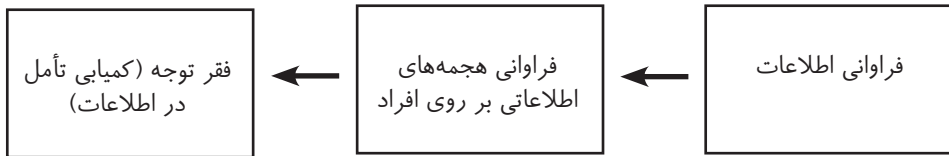
عمومی و اجتماعی که عموماً با توسل به ابزارهای قدرت نرم ممکن است، پلیس دچار آسیب می‌شود (عنبری و فیروزجایی، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

رسانه‌ها، برخلاف تلقی عموم، در بسیاری از موقعیت‌ها جریان ساز نیستند بلکه بر جریان‌ها سوار می‌شوند. هدف رسانه‌ها از قدرت نرم در ابتدا مدیریت افکار عمومی نیست، بلکه رسانه‌های در دنیا موفق است که بتواند همراه با افکار عمومی حرکت کند و خود را سازگار با آنها نشان دهد. در کشور ما مهم‌ترین منبع جهت دهی و باز تولید اطلاعات، دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و مساجد، و مراکز آموزش عالی هستند که جریان‌های فرهنگی و حتی اعتقادی را تولید و معنا بخشی می‌کنند. بنابراین پلیس در صورتی که با این نهادها دارای پیوند نهادینه و رابطه راهبردی باشد قادر خواهد بود در زمینه‌های عمده مربوط به ساخت باورها و جهت دهی جریان‌های فکری-فرهنگی نقشی فعال و قدرتمند داشته باشد. بر اساس نظریات قدرت نرم افزارانه، «ایده‌ها»، «باورها» و «ارزش‌های مشترک» نفوذ مؤثری بر کنش‌های اجتماعی و سیاسی دارند. بر این اساس، آنچه که ساختار بشری را شکل می‌دهد ایده‌ها و باورهای مشترک است نه نیروهای مادی، و از طریق این باورهای مشترک است که «هویت» و «منافع» بازیگران بوجود می‌آید. ساختارهای هنجاری و معنایی و نظام‌های فکری تعیین می‌کنند که بازیگران چگونه محیط مادی خود را تفسیر کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۹).

جدول ۲. تعامل ساختار و کارگزار در نظریه قدرت نرم

<p>پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پیمان جباری علوم انسانی</p> <p>=== تفسیر بازیگران از محیط</p>	<ul style="list-style-type: none"> • ساختارهای هنجاری و فکری • نظام‌های معنایی
<p>=== شناخت واقعیت‌ها</p>	<ul style="list-style-type: none"> • ساختارهای معرفتی که به دنیای مادی معنا می‌دهند
<p>=== نهادهایی که توانایی شناخت ساختارهای هنجاری و معرفتی، و تفسیر نظام‌های معنایی را دارند</p>	<ul style="list-style-type: none"> • مبنای عمل برای طبقه بندی موضوعات به دوست و دشمن

نیروی پلیس در صورتی که در نهادهایی که ساختارهای هنجاری، فکری، اعتقادی، معرفتی نفوذ هژمونیک داشته باشد و از سوی دیگر، از سوی عموم نخبگان سازنده جریان‌های فکری- فرهنگی به عنوان یک نهاد مرجع برای تفسیر نظام‌های معنایی شناخته شود، قوی‌ترین پایگاه‌های قدرت نرم را تصرف کرده است. یکی از جنبه‌های قدرت در ارتباط با افزایش جریان اطلاعات، «تضاد فراوانی» است:



در این حالت، توجه خود به منبعی کمیاب تبدیل می‌شود و افراد و نهادهایی که بتوانند اطلاعات مفید و ارزشمند را از اطلاعات کم اهمیت تشخیص دهند، قدرت را به دست خواهند آورد. همچنین افراد و نهادهایی که توانایی پرورش اطلاعات در جهت استفاده مفیدتر از آنها را داشته باشند به جریان‌های اصلی قدرت نزدیک تر می‌شوند. بنابراین در عصر رسانه‌های نوین جهانی، به مدد تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات، کسب قدرت نرم به مراتب آسان تر از به دست آوردن و نگهداری قدرت سخت افزارانه است و دولت‌ها اگر بتوانند مفاهیم جدید امنیتی را برای خود بازتعریف کنند، ناگزیر نخواهند شد لشکرهای بزرگ نظامی خود را تقویت کنند. فشرده آنکه، قدرت نرم در زیربنایی‌ترین سطح خود به وسیله نهادهای متولی آموزش‌های عالی فرهنگی- دینی و علمی- آموزشی تولید می‌شود و در روبنایی‌ترین سطح، رسانه‌ها در شکل دهی آن مؤثرند. نیروهای پلیس در صورتی که در این نهادهای قدرتمند فرهنگ ساز و اندیشه ساز، دارای قدرت نرم (فکری و علمی) باشند در مسیر بهینه بهره‌گیری از قدرت نرم قرار گرفته‌اند. نیروی انتظامی ج.ا.ا. به عنوان یک مجموعه برخاسته از بطن مردم و با توجه به بهره‌مندی از نیروی راهبردی مردمی در قالب پلیس می‌تواند در برابر آنچه «جنگ نرم فرهنگی» نامیده می‌شود (ویلیامز، ۱۳۸۹: ۴۱ و ۲۲۹)، ایستاده و به یک نیروی ملی- مردمی و انتظامی خاص تبدیل شود. تأمین امنیت نرم از سوی نهادهای ذیربط، مقدمات و پایه‌های تأمین امنیت اجتماعی (نوید نیا، ۱۳۸۸: ۷۰) از سوی پلیس را فراهم می‌آورد.

۳. پلیس و امنیت نرم: ایده پلیس جامعه محور

در ایران برای آنکه سازمان پلیس بر اساس مجموعه‌ای از قواعد و زیربناهای مبتنی بر قدرت نرم افزارانه حرکت کند و به پیش رود، ایده پلیس جامعه محور بر اساس تجربیان روز دنیا طرح شده است. مفهوم پلیس جامعه محور به این معنا که خواستگاه و پایگاه آن توده‌های مردم هستند، گسترده بودن از نظر تعداد افراد، اخلاقی- ارزشی بودن فرهنگ حاکم بر پلیس، عام بودن پایگاه اجتماعی و آرمان‌های فرهنگی افراد پلیس، نگاه مثبت مسئولین و دستگاه‌های دولتی به نیروهای انتظامی، بزرگ‌ترین و ارزشمندترین فرصت‌هایی است که پلیس برای ایفای نقش خود در کشور در اختیار دارد (شانه ساز، ۱۳۸۵: خبرگزاری مهر) و (وروایی، ۱۳۸۴: ۱۹). پلیس با دو ابزار قدرتمند اعتماد اجتماعی و نفوذ در اجتماع، زمینه‌های رویکرد جامعه محور را فراهم می‌سازد (کاهه و کرامتی، ۱۳۸۴: ۴۱۴-۴۱۷). نهادسازی اجتماعی و همکاری با نهادهای عمومی به عنوان یکی از راهکارهای تقویت و تحکیم مناسبات مردم و پلیس در راستای رویکرد جامعه محوری است (شاکری، ۱۳۸۱: ۹۳-۱۰۸). بدین وسیله، امکان کسب حمایت و خلاقیت از درون مردم به عنوان یکی از ارکان پلیس جامعه محور فراهم می‌آید (ترویانیویچ، ۱۳۸۳: ۲۲). پلیس جامعه محور یک تغییر کوچک فنی در اداره امور پلیسی ایران نیست بلکه نوعی تغییر در الگوی فکری و شیوه عمل پلیس است (هزارجریبی، ۱۳۸۸: ۱۷۱).

پلیس جامعه محور با قدرت نرم اقناعی در جامعه ایران از مأموریت‌های پیچیده‌ای برخوردار است. برای تأمین امنیت نرم، خواست‌های جامعه جدید ایران بایستی با هنجارهای روز مانند تعامل و تفاهم اجتماعی، ایدئولوژی و آرمان خواهی، تقید و تعهد ارزشی، مشارکت مردمی و نتیجه‌گرایی در بستر جدید جامعه هماهنگ شود (هزارجریبی، ۱۳۸۸: ۱۸۶). مقابله با تهدیدات نرم در مرحله اول، نیازمند توجه به وضعیت مردم در داخل کشور و قدرتمند شدن از داخل است. رییس ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این باره به مثلی اشاره می‌کند که یک ضلع آن معیشت و اقتصاد، ضلع دیگرش فرهنگ و اجتماع و ضلع سوم آن حکومت و سیاست است. امنیت نرم، حضور پلیس نیست بلکه حضور ملموس پلیس است (احمدیان، ۱۳۸۶: خبرگزاری مهر).

در راستای رویکرد جامعه محوری، پلیس ایران تغییرها و اصلاحاتی را در ساختارها و کارکردهای خود آغاز کرد. از نیمه دوم تاریخ شکل‌گیری نیروی انتظامی، با توجه به تغییرات و تحولات اجتماعی پیش آمده، ضرورت شناخت عمیق و علمی مسائل انتظامی، به ویژه با رویکرد اجتماعی بیش از پیش مد نظر مدیران عالیرتبه ناجا قرار گرفت. این باور به طور روزافزونی مطرح شد که باید ابتدا خواسته‌ها و انتظارات مردم از پلیس را مورد شناسایی و بررسی مجدد قرار داد و سپس با شناخت عوامل مؤثر بر آنها، طرح‌های انتظامی را به اجرا درآورد. زمینه‌های تشکیل «مرکز نظارت همگانی ناجا» از سال ۱۳۷۰ در این راستا آماده شد (دعاگویان، ۱۳۸۴: ۱۹۷) و (جبه دار، ساویز و رضایی، ۱۳۸۷: ۱۴۲). این ایده با تأثر از سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه تقویت شد. زیرا ایشان نیز بر تأثیر نظارت همگانی بر افزایش احساس امنیت در جامعه تأکید کرده است (اکبری دستک، ۱۳۸۶: ۲۰۲). امنیت در یک کشور زمانی ایجاد می‌شود که امنیت روانی وجود داشته باشد. امنیت روانی خود ناشی از احساس امنیتی است که دستاورد تلاش همگانی برای اداره جامعه سالم است (بنی اسدی، حسینیان و بنی اسدی، ۱۳۸۶: ۱۳). عملکرد پلیس در حوزه قدرت سخت افزاری یعنی توانمندی عملیاتی پلیس نسبت به قدرت نرم یعنی حوزه رفتار حرفه‌ای و فعالیت‌های اجتماعی آثار بیشتری بر احساس امنیت شهروندان دارد. لذا عملکرد پلیس به تنهایی نمی‌تواند بر احساس امنیت شهروندان اثرگذار باشد. تحقیقات دیگران نیز همسو با تحقیق حاضر نیز بر این باورند که عملکرد نیروی انتظامی به تنهایی نمی‌تواند بر احساس امنیت شهروندان تأثیر مثبتی داشته باشد بلکه عملکرد و رفتاری که مبتنی بر آموزش‌های حرفه‌ای پلیس باشد، احساس امنیت شهروندان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین پلیس در حین انجام وظایف و مأموریت‌های سخت و انتظامی، باید رفتار حرفه‌ای خود که شامل آموزش‌های حرفه‌ای پلیس و فعالیت‌های اجتماعی است؛ در تعامل با جامعه تقویت کند تا با ارتقای کیفیت عملکرد نیروی انتظامی در سطح جامعه، احساس امنیت شهروندان نیز افزایش یابد (تاجران و کلاکی، ۱۳۸۸: ۵۸۳-۵۸۵).

رویکرد جامعه محوری در برابر رویکرد تهدید محوری چنین اقتضا می‌کند که به مردم به عنوان تهدیدی امنیتی نگریسته نشود بلکه به عنوان شهروندان محق که بنیان امنیت نرم، تأمین منافع آنان

است، مبنای سیاست گذاری و سیست ورزی به حساب آیند. این مرحله، مرحله گذر از امنیت پلیسی به امنیت مشارکتی است که تحقق امنیت نرم در آن چارچوب امکان پذیر است (عنبری و فیروزجایی، ۱۳۸۸: ۱۳۱). نهادهایی مانند حراست محلی (پلیس محله)، همیار پلیس، شوراها، حل اختلاف، مرکز حفاظتی- مراقبتی انتظام، پلیس + ۱۰ در سازمان پلیس ایران تلاشی برای این گذار و تأمین ساختارهای جامعه محور و مشارکتی کردن سازمان پلیس ایران است (عنبری و فیروزجایی، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۳).

عرصه بین المللی

جوزف نای معتقد است که اگر دولتی بتواند قدرت خود را در منظر دیگران مشروعیت بخشد و معیارهای بین المللی را وضع کند به گونه ای که دیگران را وادار به تبیین علاقه مندی هایشان در راستای منافع ملی دولت مذکور نماید؛ نیاز به صرف بسیاری از منابع اقتصادی و نظامی سنتی اش ندارد.

بزرگ ترین مشکلی که جمهوری اسلامی ایران هم اکنون با آن رو به رو است دسته بندی کشورهای منطقه خلیج فارس از یکسو، و تصویب قطعنامه های پیاپی در شورای امنیت است (نای، ۱۳۸۲: ۸). به وضوح روشن است که در برهه زمانی کنونی، اعراب، ایران را خطر امنیت ملی خود می دانند و در عین حال، هشیارند تا از نفوذ بی ثبات کننده شیعه توسط ایران جلوگیری کنند (হারدی، ۱۳۸۳). استفاده از ابزار شیعه گری قدرت نرم ایران را در سطح منطقه و جهان بسیار ضعیف کرده است. ما ایرانیان که برای تعاملات منطقه ای از جمله تصمیم گیری های اوپک نیازمند روابط با اعراب بوده و هستیم، عملاً برای سال ها اعراب را از خطر شیعه اتمی ترسانده ایم. اگر مسئله اتم هم مورد مصالحه قرار گیرد، خطر شورش شیعه برای اعراب ماندگار خواهد بود (جلالی، ۱۳۸۵).

در شرایطی که ایران از ظرفیت بالای همکاری مردم با پلیس برخوردار است و حال آن که هیچ یک از کشورهای قدرتمند منطقه راهبردی خاورمیانه (اسرائیل، عربستان و مصر) قابلیت های راهبردی و قدرت نرم ایران را در برقراری امنیت و ثبات پایدار در خاورمیانه ندارد؛ استفاده ناهوشیارانه از این قدرت موجب خواهد شد ما به عنوان تهدیدی سخت در منطقه و جهان مطرح شویم.

نیروهای پلیس باید آموزش ببینند تا به جای برخورد تبلیغات محور، و مبتنی بر ذهنیت امنیتی، رویکردی تعاملی با جهان خارج (اجتماع و کشورهای خارجی) داشته باشند (تاجران و کلاکی، ۱۳۸۸: ۵۶۵). از این رو باید در جریان موج‌هایی که توسط رسانه‌های بین‌المللی ایجاد می‌شود قرار گیرند و به مهاجرت‌های اجتماعی فرهنگی جهت انتقال فرهنگ داخل به خارج، به عنوان هجرت جهادی ارزش قائل شوند که در این راستا به ویژه عزیمت دانشجویی به خارج از کشور یکی از مهم‌ترین راه‌های نقل و انتقال فرهنگی می‌باشد. استفاده از تجارب سایر ملت‌ها که وضعیتی مشابه ما داشته‌اند، تشویق به آموزش زبان‌های دیگر در میان نیروهای پلیس برای انتقال تجربیات و پیام ایران اسلامی به دنیای خارج، پنهان نکردن نقاط ضعف بلکه استفاده از آنها به عنوان یک فرصت در زمینه‌های مختلف، دادن اطلاعات به دنیای بیرونی، افزایش پهنای باند اینترنتی برای استفاده نیروهای انتظامی و غیر آن، افزایش فعالیت سیاسی در حل بحران‌های دیگر کشورها و ایفای نقش فعال در سطوح جهانی از جمله فعالیت‌هایی است که در حال حاضر کشور ما بدان نیازمند است و نیروی پلیس توان حرکت در این راه را دارد (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

نتیجه و یافته‌ها

در میانه سده بیستم، دولت‌ها برای کنترل و اداره جامعه به تمهید دستگاه‌های پلیسی و امنیتی و مسلح کردن آنها به ابزارها و دستگاه‌های پیشرفته پرداختند. اما در دهه ۱۹۶۰ م. بسیاری از این دولت‌ها در برابر خواست‌ها، انتظارات و فشارهای اجتماعی و به‌ویژه ایدئولوژی‌های رقیب شکست خوردند. در این دوره مفهوم امنیت توسعه محور طرح شد که بر اساس آن، برخورداری یک جامعه از توسعه مناسب و امکانات رفاهی می‌توانست ثبات سیاسی را به ارمغان آورد. اما تئوری شکاف توسعه حتی توسعه اقتصادی را نیز برای ثبات و امنیت کافی نمی‌دانست و بر مؤلفه‌هایی نظیر توسعه سیاسی و فرهنگی تأکید داشت. امواج انقلاب‌های رنگی و فروپاشی شوروی، موضوع ابعاد نرم قدرت و ایجاد دستگاه‌های امنیت اجتماعی و به‌ویژه پلیس جامعه محور را به مسئله‌ای اساسی برای ثبات و امنیت ملی کشورها تبدیل کرد. مشکلاتی که امریکا در سطح جهانی در برابر هژمونی نظامی خود می‌دید، نظریه پردازان را به مفهوم قدرت نرم راهنمایی کرد. در کشورهایی چون

ایران نیز استفاده از مفهوم قدرت نرم و ایده پلیس جامعه محور به موضوعی برای بنیان امنیت ملی در ابعاد داخلی و انتظامی تبدیل شد. موفقیت‌های این ایده در بسیاری از جوامع و مفهوم غیر امنیتی کردن در مکتب امنیتی کپنهاک پشتوانه مهمی برای این موضوع بود که اساساً ذهن و باور تک تک اعضای جامعه باید نقش زندگی اجتماعی و همزیستی ملی را بر هر موضع سیاسی، امنیتی و هر پدیده مربوط به قدرت ترجیح دهد و از رهاورد غیر امنیتی‌سازی زندگی اجتماعی به عنوان موهبتی الهی برای شکوفایی موجود انسانی و اصل وجود بهره گیرد تا نفس وجود به دور از رقابت‌های سیاسی و امنیتی به اولویت اصلی انسان تبدیل شود. اصل زیست اجتماعی نباید کاری به مسائل امنیتی، قدرت، حکومت و رقابت‌های سیاسی داشته باشد. پدیده زیست اجتماعی مسئله‌ای جامعه محور است و در محدود حوزه عمومی تعریف می‌شود. بر این اساس پلیس که با این حوزه سروکار دارد دستگاهی حکومتی و امنیتی نیست که در مبارزه و مخالفت با پدیده‌های اجتماعی قرار گیرد. او مجرم را بیمار می‌داند که باید کنترل و یا درمان شود. در حالی که دستگاه سیاسی مجرم را عامل ضد امنیتی و محل می‌بیند.

پلیس جامعه محور در تداوم نهادهای اجتماعی و مدنی قرار می‌گیرد نه در برابر آنها. در آغاز بایستی رشته‌های انتظامی در زیر مجموعه گرایش جامعه شناسی تدریس شوند و رشته‌های تازه‌ای چون مطالعات اجتماعی، پدیده شناسی جامعه محور و جامعه شناسی به مطالعات انتظامی افزوده شود. در این رویکرد، پلیس متخصص مسائل اجتماعی و کارشناس جامعه شناسی است و با نظامی‌گری سروکاری ندارد. در ادامه دسترسی مردم به پلیس و سازمان‌های پلیسی باید همانند ورود به نهادهای خدماتی و درمانی باشد. به سخن دیگر، نمادهای جداسازی امنیتی مانند سیم خاردار و بند و بست فردی و سازمانی به حداقل ممکن برسد. همچنین پلیس با مراکز آسیب شناسی اجتماعی و روان‌شناسی ارتباط نهادینه و مستمری داشته باشد و در واقع به حوزه عمومی وصل باشد، نه به زندان. در این فضا لازم است نظام سیاسی هاضمه قوی داشته باشد و خط قرمزها از سوی مراکز اجماع اجتماعی و توافق جمعی تعریف شوند.

چنانچه در چارچوب نظری بحث گفتیم امنیت نرم مفهومی برآمده از قدرت نرم است که در سه بخش ذهنی و تصویری؛ عینی و اجرایی؛ و نهادی و ساختاری مبانی نرم‌افزاری تأمین جامعه را شکل

می‌دهد. در هریک از این سه، بخشی از نیروهای اجتماعی، سرمایه‌ها و سازمان‌ها مشغول به انجام وظیفه هستند که حاصل آن، نظام امنیت اجتماعی است. اگر رویکرد نخست یعنی بخش گزاره‌های ذهنی و تصورات نظری، اقتدارگرا و سلسله‌مراتبی باشند، بخش‌های بعدی نیز بر همان اساس شکل و قوام می‌یابد؛ یعنی نظام اجرایی و ساختارهای نهادی اقتدارگرا و مبتنی بر سلسله‌مراتب قدرت پدید می‌آید. در صورتی که گرایش بخش نخست به گزاره‌های ذهنی مردم گرا و نظریه‌های جامعه محور باشد، می‌توان انتظار مشارکتی شدن ساخت امنیت اجتماعی را داشت که نیروی انتظامی متولی تأمین آن است. پلیس جامعه محور نهادی است که قادر به تأمین امنیت نرم است. نظریه و تجربه امنیت نرم ایجاب می‌کند که پلیس جامعه محور در جامعه شکل گرفته و اجرایی شود تا زمینه‌های مشارکتی شدن عملکرد سازمان پلیس فراهم آید. در تحلیلی که از «مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری» درباره جایگاه نیروی انتظامی داده شده است، این نهاد را از نظر ایشان، «مظهر امنیت و اقتدار ملی» دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۲۱ و ۷۷ و ۱۸۳) و (پازوکیان، ۱۳۸۴: ۶۲). لذا لازم است زمینه‌های ملی شدن امنیت اقتدارگرا فراهم آید. تحلیل مقاله این است که جامعه محوری و مشارکتی شدن بر اساس مبانی قدرت ملی، جامعه عمل پوشاندن به این هدف و تأمین پلیس با رویکرد مقتدر ملی گرا می‌باشد.

یافته‌های پژوهش متوجه اجرایی کردنِ مبحثِ پلیس جامعه‌محور به عنوان ابزارِ کاربردیِ امنیت نرم است. خود امنیت نرم مبنایی برای قدرت نرم در جامعه است. بر این اساس، پلیس در ایران در پیوند با ساختار حاکمیت ولایی به عنوان منبع ارزش‌دهی، مردم به عنوان ساختار هرم اجتماعی و بدنه دستگاه انتظامی به عنوان ابزار اعمال و استیفای قدرت نرم جامعه‌محور می‌باشد. در این راستا لازم است هماهنگی با ساختار بین‌الملل همواره حفظ شود به ویژه از آن روی که نظریه امنیت نرم برآمده از ساختار قدرت در عرصه بین‌الملل است و در صدد به سامان کردن روابط دولت‌ها در یک فضای بی‌قانون است. برای گذار این نظریه به جامعه‌ای قانون‌مند که روابط انسانی در آن اصل و هدف است، لازم است جامعه‌محوری نیروهای انتظامی مورد اهتمام قرار گیرد. این امر، یکی در حوزه نظری و دیگری در حوزه عملی و کاربردی امکان‌پذیر است. پلیس جامعه محور، دو رویکرد تدریجی و جمع‌گرا را توأمان لحاظ می‌کند. بدین معنی که به مسائل،

نگاه حل تدریجی دارد و به اعتبار جمع و پشتوانه توافق و اجماع نهادی به درون مسائل رفته و آنها را حل و فصل می‌کند.

منابع

منابع فارسی

احمدیان، علی اکبر (رییس ستاد مشترک سپاه). (۰۵/۰۵/۱۳۸۶). برای رهایی از تهدید نرم دشمن به جهادی عظیم نیازمندیم. تهران، خبرگزاری مهر.

بنی اسدی، علی، سیمین حسینیان و مهدی بنی اسدی (۱۳۸۶). تأثیر نظارت همگانی بر افزایش احساس امنیت در جامعه. مجموعه مقالات دومین همایش ناجا و نظارت همگانی. تهران: مرکز نظارت همگانی بازرسی کل ناجا.

پازوکیان، اسدالله (۱۳۸۴). ویژگی‌های پلیس اسلامی از دیدگاه فرماندهی معظم کل قوا. تهران، سازمان عقیدتی-سیاسی ناجا.

پورحسن، ناصر (۱۳۸۶). شناخت راهبرد جنگ نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. تهران، سازمان عقیدتی-سیاسی ناجا، معاونت سیاسی.

تاجران، عزیزالله، حسن کلاکی (زمستان ۱۳۸۸). بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۴(۴).

تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۷ بهار). قدرت و امنیت در عصر پیامدزنیسم. فصلنامه سیاسی-اجتماعی گفتمان، (۱)۱

ترویونویچ، رابرت و بانی بکوروکس (۱۳۸۳). پلیس جامعه محور (ع. رستمی و ع. غلامی، مترجم). مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا. تهران، نشر فرات.

اکبری دستک، فیض الله (۱۳۸۶). تأثیر نظارت همگانی بر افزایش احساس امنیت در جامعه با تأکید بر در اندیشه‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه. مجموعه مقالات دومین همایش ناجا و نظارت همگانی. تهران، مرکز نظارت همگانی بازرسی کل ناجا.

جبه‌دار، علیرضا، عبدالرضا ساویز و جواد رضایی (۱۳۸۷). تأثیر دفتر نظارت همگانی تهران بزرگ در اعتمادسازی بین پلیس و مردم. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی ۳(۲).

جلالی، مهدی. (۱۶ بهمن ۱۳۸۵). سخنان اخیر هیلاری کلینتون. نشریه خبری سیاسی ایران امروز.

<http://politic.iran-emrooz.net/index.php?/politic/more/11915/>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۳). نیروی انتظامی مظهر امنیت و اقتدار ملی؛ مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری پیرامون نیروی انتظامی ج.ا. تهران، ساعص ناجا.

دعاگویان، داوود (۱۳۸۴). تعامل پلیس و مردم. تهران، جام جم.

زاهدی، مریم (۱۳۸۶). تحلیل محتوای سایت اینترنتی پلیس با تأکید بر امنیت اجتماعی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

سلطانی فر (۲۰ اسفند ۱۳۸۵). قدرت نرم و رسانه‌ها. www.ganjinews.com

- سلیمانی پورلک، فاطمه (بهار ۱۳۸۶). *نرم‌فزارگرایی در سیاست خاورمیانه‌ای امریکا*. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۵(۵).
- شاکری، سید رضا (۱۳۸۱). *پلیس، مردم و امنیت عمومی*. تهران، ساعس ناجا.
- شانه ساز، مرتضی (۱۷/۱۱/۱۳۸۵). *آمریکای امروز ضعیف تر از تمام ادوار گذشته است/هرگونه تهدید نظامی علیه ایران محکوم به شکست است*. تهران، خبرگزاری مهر.
- عنبری، موسی و علی اصغر فیروزجایی (تابستان ۱۳۸۸). *مشارکت امنیتی و انتظام مشارکتی؛ بررسی تجارب و زمینه‌های مشارکت مردمی در تأمین نظم و امنیت (با تأکید بر ایران)*. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، ۲(۲).
- کاهه، احمد و مهدی کرامتی (۱۳۸۴). *تعامل پلیس و مردم*. مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، ج ۳. معاونت اجتماعی ناجا. تهران، نشر آشنایی.
- کلگ، استوارت ار. (۱۳۸۴). *چارچوبهای قدرت* (مصطفی یونسی، مترجم). تهران، موسسه مطالعات راهبردی.
- محبوبی منش، حسین (پاییز ۱۳۸۵). *تاملی کوتاه درباره آسیب‌های اجتماعی به عنوان مسئله امنیت عمومی*. فصلنامه دانش انتظامی، ۸(۳).
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹). *تحول در نظریه‌های روابط بین الملل*. تهران، سمت.
- نای، ژوزف (۱۳۸۲). *قدرت نرم و مدیریت منازعه در عصر اطلاعات* (حسن هادی، مترجم). پژوهشکده مطالعات راهبردی. گزارش پژوهشی (۵۲۰).
- نصری، قدیر (۱۳۸۳). *قدرت و قدرت نرم*. گزارش راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نوید نیا، منیژه (۱۳۸۸). *امنیت اجتماعی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نوید نیا، منیژه (تابستان ۱۳۸۸). *چشم‌انداز پلیس، امنیت و سرمایه اجتماعی*. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲(۲).
- وروایی، اکبر (۱۳۸۴). *پلیس جامعه محور؛ مطالعه تطبیقی شیوه‌های جلب مشارکت مردمی در تأمین نظم عمومی و امنیت اجتماعی*. تهران، ساعس ناجا.
- ونت، الکساندر. (۱۳۸۴). *نظریه اجتماعی سیاست بین الملل*. ترجمه حمیرا مشیر زاده. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ویلیامز، میشل سی (۱۳۸۹). *جنگ نرم فرهنگی: درآمدی بر نسبت امنیت و فرهنگ* (مهدی ذوالفقاری، مترجم). تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- هاردی، راجر (۱۳۸۳/۳/۱۳). *تنش در لایه‌های زیرین روابط ایران و امریکا*. سایت آگاه‌سازی برای همه.
- هزارجریبی، جعفر (تابستان ۱۳۸۸). *تبیین راهبردهای جامعه محوری پلیس بر اساس نظریه جامعه شناسی احساس*. ۱(۲).
- یزدان فام، محمود. (تابستان ۱۳۸۸). *جهانی شدن، امنیت و پلیس*. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲(۲).